

از خاورمیانه تا اوکراین

نویسنده: ایوان تیموفیف، عضو شورای فدراسیون روسیه

مترجم: دکتر سید محمد جواد یزدان مهر، عضو هیئت علمی گروه زبان روسی دانشگاه فردوسی مشهد

تشدید مناقشه فلسطین و اسرائیل نشانگر عدم تعادل در نظام موجود روابط بین‌الملل است. مشخصه این عدم تعادل، ظهور درگیری‌های جدید و از سرگیری درگیری‌های قدیمی با تلفات انسانی در مقیاس بزرگ و تشدید خطرات بیشتر است. در حالی که ایالات متحده ادعای رهبری بین‌المللی و نقش ضامن نظم بین‌المللی موجود را داشت، نتوانست از رشد یک قانون دیگر درگیری جلوگیری کند. در حال حاضر، این احتمال وجود دارد که بحران جدید ممکن است به درگیری بین بازیگران اصلی منطقه‌ای تبدیل شود. با این حال، واقعیت بحران نشان می‌دهد که تار و پود نظامی که پس از جنگ سرد در ویرانه‌های نظام دوقطبی به وجود آمد، بیشتر و بیشتر در حال پاره شدن است و ترمیم شکاف‌های ایجاد شده روز به روز دشوارتر می‌شود.

اگر درگیری اوکراین تنها مشکل ایالات متحده در کنترل نظم پسا دوقطبی باشد، ممکن است خطرات کمتری برای آن وجود داشته باشد. با احتمال زیاد، واشنگتن می‌تواند کمک‌های نظامی و دیپلماتیک قابل توجهی به اسرائیل ارائه کند و شروع بعدی درگیری را محدود کند. اما هر آتش سوزی مستلزم تمرکز منابع مادی و مالی است که حتی برای قدرتی مانند ایالات متحده محدود است. علاوه بر این، مشکلات حل نشده دیگری نیز وجود دارد.

برای نظم پسا دوقطبی، به نظر می‌رسد درگیری اوکراین کلیدی باشد. آغاز یک عملیات نظامی ویژه در سال ۲۰۲۲ به ایالات متحده چندین مزیت تاکتیکی داد. واشنگتن اکنون اهرم قدرتمندی بر متحدانش در اروپا دارد. ناتو جان تازه‌ای دریافت کرده است و روند گسترش آن در حال انجام است.

با این حال، از نظر استراتژیک، درگیری اوکراین، ایالات متحده را با مشکلات جدی مواجه کرده است. اصلی‌ترین آنها از دست دادن روسیه به عنوان یک متحد احتمالی یا حداقل به عنوان قدرتی است که برای ایالات متحده مانعی ایجاد نمی‌کرد.

در میان دشمنان آشتی ناپذیر واشنگتن، روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ سهم ایالات متحده شد. هزینه درگیری با روسیه برای ایالات متحده نه تنها در زمینه حمایت از اوکراین، بلکه در مهار دو طرفه روسیه و چین و همچنین مشکلات روسیه ارزیابی خواهد شد. این واقعیت که روسیه خودش متحمل هزینه ها و ضررهای زیادی می شود، وضعیت ایالات متحده را بهبود نمی بخشد.

نمی توان این احتمال را رد کرد که در چنین شرایطی ایالات متحده و متحدانش در رویکرد خود در مورد شکست روسیه در مناقشه اوکراین ممکن است تجدید نظر کنند. شکس روسیه به هر قیمتی قطعاً به سود غرب نیست، چرا نه تنها کار آسانی نیست، بلکه نیاز به هزینه های هنگفت در همه زمینه ها دارد. سوال بزرگ این است که آیا مسکو در رویکردهای خود تجدید نظر خواهد کرد یا خیر.

بجران خاورمیانه جنگ در اوکراین را به پس زمینه دستور کار رسانه ها سوق داده است که به نوعی بی کفایتی آمریکا در مدیریت نظم موجود را نشان می دهد. و این امر پیروزی روسیه را در جنگ اوکراین بالا می برد. تبلیغات گسترده و حمایت همه جانبه غرب از ارتش اوکراین تاکنون به اهداف خود نرسید. ارتش روسیه به آرامی فشار را در جبهه جنگ افزایش می دهد.

تحریم های اقتصادی منجر به فروپاشی اقتصاد روسیه نشده است و علیرغم آسیب های زیاد، این کشور به سرعت در حال سازگاری با شرایط جدید است. غرب نتوانست روسیه را از نظر سیاسی منزوی کند و هزینه حمایت از اوکراین روز به روز سنگین تر می شود ممکن است در آینده با در نظر گرفتن حذف تجهیزات ساخت شوروی از نیروهای مسلح اوکراین و نیاز روزافزون به تجهیزات جدید افزایش یابد. اقتصاد اوکراین همچنین نیازمند تزریق کمک های خارجی مبنی بر جبران خسارات نظامی و حل فصل مشکلات مداوم حاکمیتی از جمله فساد گسترده است.

اگر درگیری اوکراین تنها مشکل ایالات متحده در کنترل نظم پسا دوقطبی باشد، ممکن است خطرات کمتری برای آن وجود داشته باشد.

متحدان غربی می توانند تمام قدرت خود را بر روی مقابله با مسکو متمرکز کنند. اما گسترش آن در جهات دیگر به طور جدی مشکل را پیچیده می کند. منابع باید نه تنها برای مهار چین، بلکه برای خاموش کردن آتش سوزی هایی که ظاهراً نباید رخ می داد، تلف شوند. با احتمال زیاد، واشنگتن می تواند کمک های نظامی و دیپلماتیک قابل توجهی به

اسرائیل ارائه کند و شروع بعدی درگیری را محدود کند. اما هر آتش سوزی مستلزم تمرکز منابع مادی و مالی است که حتی برای قدرتی مانند ایالات متحده محدود است.

چندین سال تلاش برای جلوگیری از رشد نظامی کره شمالی با شکست به پایان رسید. پیونگ یانگ در حال حاضر هم سلاح های هسته ای و راکت اندازها را در اختیار دارد. بحران در روابط روسیه و آمریکا به کره شمالی فرصت مانور می دهد که افزایش احتمالی همکاری با روسیه در تضاد با اهداف ایالات متحده خواهد بود، در حالی که قبلا مسکو در این زمینه برای واشنگتن مشکلات کمتری ایجاد می کرد.

در مورد ایران نیز وضعیت مشابه است. خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ منجر به کناره گیری ایران از مواضع خود در قبال برنامه و سیاست موشکی در خاورمیانه نشد. علاوه بر این، او شرایط را برای بازگشت ایران به برنامه هسته ای خود فراهم کرد. در هر دو مورد کره شمالی و ایران، راه حل نظامی برای حل و فصل مشکلات اصلا گزینه درست و منطقی نیست، چراکه حمله نظامی به ایران و یا کره شمالی بار مالی جبران ناپذیری بر دوش آمریکا و غرب می گذارد و ضربه شدیدی به اقتصاد آنها وارد خواهد کرد و در نهایت کنترل نظم موجود بطور کامل از دستان آمریکا خارج خواهد شد و جهان چند قطبی حاکم خواهد شد.

آتش سوزی های دیگر هنوز باقی مانده است. افغانستان تا حد زیادی فراموش شده است، اما نیروهای متخاصم با ایالات متحده و غرب در آنجا قوی تر می شوند. در سوریه، دولت بشار اسد علیرغم تحریم ها و تلاش برای انزوا در قدرت باقی می ماند. در آفریقا، متحدان آمریکا در حال از دست دادن نفوذ خود هستند. تروریست ها، قاچاقچیان مواد مخدر و شبکه های جنایی فراملی بطور آشکارا در حال فعالیت هستند. چراکه مبارزه با این گروهک ها در هماهنگی نزدیک با دیگر بازیگران اصلی بر اساس قوانین شورای امنیت سازمان ملل امکان پذیر بود. اما سطح اعتماد قبلی تضعیف شده است و در شرایط «جنگ ترکیبی» با روسیه و تضادهای فزاینده با چین، مقابله مؤثر با این مشکلات دشوارتر خواهد بود.

در عین حال، به نظر می رسد درگیری اوکراین برای نظم پسا دوقطبی کلیدی باشد. آغاز یک عملیات نظامی ویژه در سال ۲۰۲۲ به ایالات متحده چندین مزیت تاکتیکی داد. واشنگتن اکنون اهرم قدرتمندی بر متحدانش در اروپا دارد. ناتو جان تازه ای دریافت کرده است و روند گسترش آن در حال انجام است. مقاومت طولانی کشورهای بزرگ اروپایی در برابر درخواست های مداوم ایالات متحده برای افزایش هزینه های دفاعی و خرید تسلیحات سرانجام

شکسته شد. نظامی کردن اروپا با سرعتی سریع پیش خواهد رفت که کشورهای اروپایی باید هزینه آن را خودشان پردازند و منابع را از مناطق غیرنظامی منحرف کنند. شرایطی فراهم شده است که آمریکایی ها حداقل تا حدی بازار انرژی اروپا را تصاحب کنند: چیزی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق ایالات متحده فقط می توانست رویای آن را در سر پیروراند، تقریباً یک شبه اتفاق افتاد. موفقیت تاکتیکی مهم دیگر کنترل کامل بر اوکراین بود. توانایی آن برای انجام عملیات نظامی و حمایت از اقتصاد تا حد زیادی به ایالات متحده بستگی دارد. کنترل اوکراین یا بخش مهمی از آن، چشم انداز احیای «امپراتوری شوروی» را حداقل در تناثر اروپایی نفی می کند.

با این حال، از نظر استراتژیک، درگیری اوکراین، ایالات متحده را با مشکلات جدی مواجه کرده است. اصلی ترین آنها از دست دادن روسیه به عنوان یک متحد احتمالی یا حداقل به عنوان قدرتی است که مانع ایالات متحده نبود. در آغاز قرن بیستم و بیست و یکم، همه شرایط برای چنین تعاملی با مسکو فراهم بود. علاوه بر این، روسیه خود آماده روابط مشارکتی برابر با ایالات متحده بود، مشروط بر اینکه منافع این کشور به ویژه در فضای پس از شوروی در نظر گرفته شود. مسکو به وضوح اهداف "احیای اتحاد جماهیر شوروی" را برای خود تعیین نکرد و برای اصلاح فضای پس از شوروی تلاش نکرد. در تمام موضوعات کلیدی در دستور کار جهانی، روسیه مدت هاست که یا با ایالات متحده همکاری می کند یا از مخالفت فعال خودداری می کند. می توان برای مدت طولانی در مورد اینکه چه کسی مقصر رویارویی فزاینده متقابل است بحث کرد و مواضع طرفین در اینجا کاملاً متناقض است. مسکو در حال ایجاد روابط نزدیک با چین است که ظهور آن در واشنگتن یک تهدید بلندمدت تلقی می شود.

نتیجه نهایی این است که دستاوردهای تاکتیکی از درگیری در اوکراین به شکست دیپلماتیک بزرگ برای واشنگتن در قالب افزایش تعداد مخالفان با نفوذ تبدیل می شود، جایی که همه شرایط برای جلوگیری از این امر وجود داشت. برای اتحادیه اروپا، هزینه های استراتژیک درگیری، علیرغم مزایای تاکتیکی آن، حتی بیشتر از این است. نزدیکی جغرافیایی درگیری و خطرات امنیتی مهمتر در صورت درگیری نظامی عمدی یا غیرعمدی با روسیه در اینجا نقش دارد. برعکس، چین در حال تقویت موقعیت خود است. پکن آرامش مرزهای طولانی خود در شمال، بازار بزرگ روسیه و پراکندگی منابع آمریکایی را دریافت کرد. به همین خاطر ممکن است در چنین شرایطی ایالات متحده و متحدانش در رویکرد خود در مورد شکست روسیه در مناقشه اوکراین به هر قیمتی تجدید نظر کنند. سوال بزرگ این است که آیا مسکو در رویکردهای خود تجدید نظر خواهد کرد یا خیر.

روسیه متعهد به مبارزه طولانی مدت برای منافع خود است. سطح اعتماد به هر پیشنهاد غربی به صفر مطلق رسیده است. نتیجه درگیری اوکراین، هر زمان که رخ دهد، یک نقطه عطف اساسی در نظامی خواهد بود که درست جلوی چشمان ما شکل می گیرد و هر بحرانی جدیدی که شکل بگیرد، نقش ایالات متحده به عنوان ضامن امنیت را زیر سوال می برد و بتدریج بودجه نظامی خود را در مناطق مختلفی درگیر خواهد کرد که این امر زمینه را برای چین قدرتمند فراهم می کند.